

کردن بارگردانی، سؤالی که ایشان خود به آن پاسخ گفته‌اند: «خلاص این جوان و آن نیت یاک این جوان و به موقع حرکت کردن این جوان و نیاز جامعه به این جور شهادتی، این موجب شده که خدای متعال، نام این جوان شمارا، شهید شما را بپلند کردد. پلندن تبری کرد. کمتر شهیدی را مسرا غم داریم که این جور خدای متعال اورادر چشم همه عزیز کرده باشد. خداوند جوان شمارا عزیز کرد.»

«خلاص» و «نیت پاک» در یک جمله همان ایمان این شهید، در کنار «امان شناسی» و حرف ک به موقع، دو پویزی مهم شهید حججی از نظر رهبر انقلاب است که موجب عزت و سر برلنگی این شهید شده است. اما یک مؤلفی دیگر نیز در بیان ایشان وجود داشت که اگر نگوییم تاکنون در راه شهیدی به کار نرفته است، حداقل می توان گفت که کم نظری است: «نیاز جامعه به این جور شهادتی»، چرا باید یک ملت و یک جامعه به چنین شهادتی نیاز داشته باشد؟ شهادت خاص شهید محسن حججی چه نیازی از ملت ایران را بطریق می کند؟

مکہ ایڈیشنز

پاسخ به این سوال بازگشت به مقدمه‌ی بالا مشخص است. شجاعت ایمانی جوان ایرانی، نیاز جامعه‌ی مالست ملتی که نماد خود را در چشم‌های باصلاح و نگاه شجاعانه‌ی محسن حججی در هنگام اسارت در دستان داعشی می‌بیند. نمادی که هیبت ملت اقلایی ایران را در چشم دشمنان بیش از پیش بزرگتر می‌کند: «هموار و همیشه هیبت این حرکت عظیم مردمی، چشم دشمنان جمهوری اسلامی را گرفته است. خیلی رجز خوانی کردند، هر چه توائنسند تلاش کردند اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در نظر اینها هیبت داشته است؛ این هیبت را ماباید حفظ کنیم؛ این هیبت بایستی محفوظ بماند.»^{۹۴}

هیبیتی که ناشی از شجاعت ایمانی است، که در مبارزات انقلابی ملت ایران از ۱۵ خرداد ۱۳۴۴ تا انقلاب اسلامی و از هشت سال دفاع مقدس تا حماسه مدافعان حرم در سوریه و عراق از یک حقیقت و الگوی ارزشمند نشأت می‌گیرد: قیام سیدالشهداء و نهضت عاشورا و پاسداشت آن توسط ملت ایران: «واقعاً این اعتقاد، درست است که اسلام را قیام سیدالشهداء حفظ کرده؛ همچنان که در طول زمان، در قرن‌های متوالی، این حادثه روز روی روز زندگانی شده، امروز این مراسم از حد سال

پیش که تدین مردم به حسب ظاهر، معارضین مثل معارضین امروز هم نداشتند، خیلی گرم تر، گیراتر، پرشورتر و گستردتر دارد انجام می گیرد؛ همه ایها معنادارند. همه ایها نشان دهنده یک حقایقی و یک جریانی است که به رهبری حسین بن علی (ع) دارد در دنیا پیش می روید و ان شاء الله پیش خواهد رفت و کارگشان خواهد بود و گاهی ملت ها ای خواهد کرد...»

● ۹۶/۶/۳



روح عاشورا و درس هایی که یک ملت از آن می گیرند

در ایام محروم و صفر، ملت عزیز ماید روح حماسه را در عاشوراً بی راه نرسیدن از دشمن، توكیل به خدا، مجاهدت فداکارانه در راه خدا، در خودشان تقویت کنند و از امام حسین عليه السلام مدد بگیرند. مجالس عزاداری برای این است که دل های مارا با حسین بن علی، عليه السلام و اهداف آن بزر گوار نزدیک و آشنا کند. یک عده کچ فهم نگویند که «امام حسین عليه السلام شکست خورد». نگویند که «راه امام حسین عليه السلام معنایش این است که همه ملت ایران کشته شوند». یک ملت از حسین بن علی، عليه السلام باید درس بگیرد. یعنی از دشمن نترسد؛ به خود متکی باشد و به خود توكیل کنید بداند که اگر دشمن پاشوکت است، این پشوکت، نایابدار است. ۷۱/۴/۱۰•

بعد از شکست داعش در سوریه و عراق، کلید خورد

پروژه جدید آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه

بروژه جدید نظام سلطه در غرب آسیا

دو سال پیش، یعنی مردادماه سال ۹۴، رهبر انقلاب با بیان اینکه تمامیت ارضی کشورهای منطقه، از جمله عراق و سوریه برای ایران مهم است، فرمودند: «بنده از قل گفتمن که آمریکایی‌ها دنبال تجزیه‌ی عراقند، بعضی‌ها تعجب کرند؛ اخیراً خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که دنبال تجزیه‌ی عراق‌اند!»^{۱۶} ۴/۵/۲۶ حالا این روزها با ملاحظه‌ی حوادث اخیر در عراق، بهترمی‌توان صحبت این ماجارا مشاهده کرد. اماسوآل آن است که چرا چنین پروژه‌ای در عراق کلید خورده است؟ واقعیت این است که دستاوردهای رئوپلتیک جریان مقاومت در عرصه‌ی میدانی سوریه و عراق - علی‌رغم دسیسه‌های آمریکایی‌ها، نیروهای هم‌بیان منطقه‌ای آن‌ها و بازوی‌های تروریستی شان - به گونه‌ای بوده است که می‌توان گفت طرح‌های آمریکایی - اسرائیلی بهینه‌ی وجود گروه تروریستی داعش با شکست مواجه شده است. نیروهای مقاومت نه تنها توائسنه‌اند در عراق و سوریه و لبنان ضرباتی کاری بر پیکر تروریست‌ها وارد آورند و سرزمه‌های وسیع تحت اشغال داعش را آزاد کنند، تا جایی که حتی سرلشکر قاسم سلیمانی، وعده‌ی نابودی داعش را تقدیمه داده است.

راهنمایی اخیر همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق نیز واشنگتن در ماجراهی اخیر همه‌پرسی در عراق و سوریه، روابط راهبردی خوبی دارد. همین موضوع، تردیدهای راهبردی نقش پشت پرده‌ی واشنگتن در حمایت از رخدادهای متعلق به کرده‌ها در عراق و سوریه را بیشتر می‌کند.

لـ آنـهـ كـمـ شـخـمـ اـتـانـكـ غـرـهـ خـصـهـ لـ آنـهـ كـمـ

پریزیر پایه امریکا و سمت است. این بیانیه مخصوص امریکا است که مخصوص امریکا نیست. از بیانیه ای که این بیانیه است، این بیانیه ای در غرب آسیا استقبال می کنند و یا حتی بگوییم گاهی نقش تولیدکننده و گاه، نقش تسریع کننده آن را بازی کردند. در حقیقت راهبرد دائمی آنها در قبال منطقه غرب آسیا همین موضوع است. همین بیانیه و "تامنی" هم هست که از سویی حضور نظامی شان در منطقه را توجیه می کند و از سویی دیگر، مشغول سازی ایشان به مخاطرات درون سرزمینی منطقه است که کشورهای مسلمان را زنق فراموشهای باز می دارد و تمرکز بر تهدید بالفعل رژیم صهیونیستی را مختل می کند.

به هر روی، ترس آمریکایی ها از نفوذ جریان مقاومت و آیندهای منطقه غرب آسیا سیاست خارجی آمریکا به سوی حمایت از توریسم سوق داده است، سیاستی که پیشتر واشنگتن آن را در قبال اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان در پیش گرفت و منجر به شکل گیری شیوه که تروریستی القاعده شد. افزون بر این، کمتر کسی ایست که در دنیای سیاست به گستره‌ی نفوذ ایران در منطقه‌ی غرب آسیا اذعان نداشته باشد. پیش‌های اینباری، تحلیل گر مرکز جرژول در رژیم صهیونیستی، از احتمال تبدیل شدن ایران به یک ابرقدرت سخن می‌گوید. فرید زکریا، تحلیل گر سیاسی در آمریکا، معتقد است که "نفوذ آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا نفوذ ویژه‌ی ایران قابل مقایسه نیست."

در دوران اختناق... مایه تصور اینکه این مجالس را لحظه معنوی و محتوایی جهت می دهیم، به دو چیز می آندیشیدیم: نخست بالا آوردن سطح اندیشه‌ی اسلامی و سیاسی مردم، تابانند اسلام از آن‌ها چه چیزی خواسته است و در چه وضعی از اوضاع سیاسی قرار دارند؛ چون اگر مردم ندانند، حرکت نخواهند کرد؛ دوم اینکه مردم تصمیم بگیرند خطر کنند. کوشش اول برای علم بود و کوشش دوم برای عمل. کوشش اول برای دانستن و فهمیدن بود، کوشش دوم برای احسان کردن و لمس کردن. در کوشش اول می گفتیم وظیفه است مباری خدا خطر را قبول کنیم، در کوشش دوم می گفتم خطر بذیری در راه خدا و مرگ دارد، اه خدازندگ است. او فکر، اغذیه می کرد، و این احساب را داشت.



کار کردمجالس اباعبدالله (علیه السلام) در نهضت انقلاب اسلام

در دوران اختناق... مابه تصور اینکه این مجالس را لحظه معنوی و محتوایی جهت می دهیم،
به دو چیز می آندیشیدیم: نخست بالا آوردن سطح اندیشه‌ی اسلامی و سیاسی مردم، تا پاداند
اسلام از آن‌ها چه چیزی خواسته است و در چه وضعی از اوضاع سیاسی قرار دارند؛ چون اگر
مردم ندانند، حرکت نخواهند کرد؛ دوم اینکه مردم تصمیم بگیرند خطر کنند. کوشش اول برای
علم بود و کوشش دوم برای عمل. کوشش اول برای دانستن و فهمیدن بود، کوشش دوم برای
احساس کردن و لمس کردن. در کوشش اول می گفتیم وظیفه است مباری خدا خطر را بقول کنیم، در کوشش دوم
می گفتیم خطر بذیری در راه خدا و مگ، راه خدا زندگ است. او فکر، اغذیه‌ی می، کد، و این احساس را
۵۹/۸/۱۶@۰۱